فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲، پاییز ۹۷، صفحات ۲۳۱-۲۰۹

شناسایی صندوق‌های وام‌دهیِ غیر رسمی و کارآمدی آن‌ها در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه‌ی موردی دهستان تنگ سیاب - شهرستان کوه‌دشت)

رحمان باقری[۱]، حسن چنانی نسب[۲]، مهریار گل‌زاده[۳]، حسین سوری[٤]

تاریخ دریافت:۱۳۹٦/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵

چکیده

در پی موفقیت رویکرد نظام اعتبارات خُرد در برخی مناطق روستایی جهان، طرح تشکیل صندوق‌های اعتبارات خُرد زنان روستایی در ایران اجرا شد که یکی از متداول‌ترین آن‌ها صندوق‌های قرض‌الحسنه است. با توجه به مسائل صندوق‌های مذکور، در سال‌های اخیر گونه‌های جدیدی از آن‌ها در نقاط روستایی شکل گرفته‌اند که بر شبکه‌ها و پیوندهای غیر رسمی مبتنی بوده و متفاوت از مدل‌های رایج‌اند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی و پی‌بردن به کارآمدی آن‌ها در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کوه‌دشت با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از فنون مصاحبه‌ی نیمه‌ساخت‌یافته و عمیق، بحث گروهی متمرکز و مشاهده مشارکتی انجام شده است. مطالب و موارد بیان‌شده، در چند مرحله مقوله‌بندی و تحلیل شدند. از خلال پژوهش، سه نوع صندوق وام‌دهی غیررسمی شناخته شد: صندوق‌های متعلق به دانش‌آموزان، صندوق‌های مبتنی بر روابط خانوادگی- همسایگی، صندوق‌های حول روابط شغلی و اداری. نتایج نشان می‌دهد که تشکیل این صندوق‌ها و عضویت در آن‌ها، می‌تواند به درآمدزایی و سهیم‌شدن زنان در دارایی‌های خانواده، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و در روستا، بهبود باورهای عمومی نسبت به زنان، حفظ و تداوم کار گروهی و گسترش آن به امور دیگر منجر شود. لذا صندوق‌های فوق با بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در توانمندسازی آنان کارآمد می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی؛ اعتبارات خُرد؛ توانمندسازی؛ همیاری.

[۱] مربی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، (نویسنده‌ی مسئول)، bagherirahman26@yahoo.com

[۲] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، h_chenani64@yahoo.com

[۳] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، mgolzade@yahoo.com

[٤] مربی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، hsoori59@yahoo.com

مقدمه

در ادبیات توسعه برای تعریف مفهوم توانمندسازی[1]، به گستره‌ای وسیع از مفاهیمی نظیر حق انتخاب، کنترل‌داشتن و دسترسی به منابع و غیره اشاره شده است(شکوری، رفعت‌جاه، و جعفری، ۱۳۸٦: ٤). برای نمونه، توانمندسازی یعنی این‌که مردم باید به سطحی از توسعه‌ی فردی دست یابند که به آن‌ها امکان انتخاب را بر اساس خواست‌های خود بدهد(شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ٥٤). همین‌طور، اگبومه[2]، توانمندسازی را به معنای دستیابی بیش‌تر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند که موجب احساس استقلال و اعتمادبه‌نفس بیش‌تری در آن‌ها می‌شود(آگبومه، ۲۰۰۱: ۲۳۹). شهبازی، در یک برداشت جامع‌تر، توانمندسازی زنان را به معنای ایجاد قدرت تصمیم‌گیری، انتخاب، سازمان‌دهی خود و مشارکت، و همچنین ایجاد قدرت فردی، گروهی، و جمعی در زنان برای تغییر شرایط موجود در نظر می‌گیرد(شهبازی، ۱۳۸۳: ٨٤).

صرف‌نظر از چگونگی تعریف توانمندسازی، آشکار است که این پدیده، مفهومی چندبعدی است. توانمندی زنان دارای ابعاد اقتصادی(میـزان درآمـد، امنیـت اقتصادی، پس‌انداز و ...)، انسانی(مهارت، دانش، توانایی انجام کار و...)، اجتماعی(گروه‌ها، شبکه‌ها، روابط مبتنی بر اعتماد و...)، سیاسی(افزایش مشارکت سیاسی، حذف تبعیض و...) و روانی(عزت نفس، احساس قدرت و...)، می‌باشد(شکوری و همکاران، ۱۳۸٦: ۸-۳؛ معظمی، ۱۳۸۰: ٥). بنابراین، در بررسی فقر و توانمندسازی زنان، نه‌تنها بعد اقتصادی، بلکه جنبه‌های وسیع‌تری مورد توجه قرار می‌گیرد.

بررسی‌های انجام‌شده طی چند دهه‌ی گذشته نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند. این مسأله به این دلیل است که زنان از امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند؛ زیرا وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل مواجه ساخته است (بریمانی، نیک‌منش و خداوردی‌لو، ۱۳۹۱: ۷۰). از سوی دیگر، مطالعات اخیر پژوهش‌گران اجتماعی نشان داده است که دستیابی به توسعه‌ی پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها – اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی، امکان‌پذیر نیست (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۱۲؛ سن، ۱۳۸۵: ۳۲۱؛ کولایی و حافظیان، ۱۳۹٤: ٥؛ طالب و نجفی‌اصل،

[1] Empowerment
[2] Ugbomeh

۱۳۸٦: ۲؛ فرضی‌زاده، متوسلی و طالب، ۱۳۹۲: ۲؛ فیروزآبادی و فرضی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳٦؛ و ...). از آن‌جا که زنان، اکثریت فقرای جهان را تشکیل می‌دهند، سیاست‌های فقرزدایی، به‌طور خودکار، زنان را نیز در بر می‌گیرد و آن‌ها را بهره‌مند می‌کند؛ لذا نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه «فقیرترین فقرا» سبب طرح رویکردهای متفاوتی از جمله «توانمندسازی زنان» شده است (شادی‌طلب، وهابی و ورمزیار، ۱۳۸٤: ۱). این برنامه‌ها، از اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ آغاز شدند و یکی از آن‌ها که به توانمندسازی، به‌ویژه از دیدگاه اقتصادی می‌اندیشید، برنامه اعتبارات خُرد[1] است. در این راستا، بانک جهانی[2] سال ۲۰۰۵ را سال اعتبارات خرد نام‌گذاری و کشورهای در حال توسعه را در به‌کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است(نگین، ۱۳۸٤: ۷٦۳). از میان کشورهای جهان سوم، بنگلادش به عنوان کشور پیش‌رو در قالب گرامین بانک[3] با اعطای اعتبارات خرد به فقرا و به‌ویژه زنان، توانسته سطح درآمد آن‌ها را افزایش دهد (رسول‌اف، ۱۳۸۱: ۳۷۲). موفقیت‌های اولیه، ناشی از وام‌های خرد در توان‌افزایی زنان طبقات پایین‌تر در جامعه‌ی بنگلادش به تدریج منجر به همه‌گیرشدن این برنامه در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه‌نیافته شد.

در ایران نیز طرح‌های متعددی برای توانمندسازی و فقرزدایی اجرا شده است و نهادهای متعددی در این حوزه فعالیت می‌کنند(فرضی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲). یکی از این طرح‌ها، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی می‌باشد که دفتر امور زنان وزارت جهاد کشاورزی، متولی اجرای آن است. طرح مذکور در بسیاری از مناطق روستایی کشور با کمک نظام بانکی اجرا شده است. بانک‌ها معمولاً برای پرداخت وام، شرایط ویژه‌ای از جمله دریافت وثیقه دارند که به تجربه، زنان معمولاً قادر به فراهم‌کردن آن نبوده و کم‌تر در پی دریافت چنین وام‌هایی هستند.

با توجه به شرایط اجتماعی – فرهنگی حاکم در محیط روستایی و مشکلات زنان فقیر روستایی در زمینه‌ی دریافت اعتبارات بانکی و نیز نحوه‌ی عمل بانک‌ها در تخصیص و اعطای اعتبارات، در سال‌های اخیر گونه‌های جدیدی از صندوق‌ها یا همیاری اقتصادی در برخی مناطق روستایی ایران شکل گرفته‌اند که مبتنی بر شبکه‌ها و پیوندهای غیر رسمی بوده و با مدل‌های رسمی و رایج تفاوت دارند. «صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی» نوع خاصی از همیاری زنان روستایی با هم است؛ بدین صورت که زنان در گروه‌های ۸ تا ۲۰ نفره، مبالغی را جمع می‌کنند و

[1] Microcredit
[2] World Bank
[3] Grameen Bank

هر هفته یا ماه به یک نفر به قید قرعه تعلق می‌گیرد. این صندوق‌ها که بر پول‌های موجود در اجتماع محلی تکیه دارند، به‌ویژه در میان زنان روستایی شهرستان کوه‌دشت گسترش زیادی داشته است. مقاله‌ی حاضر قصد دارد ضمن شناسایی گونه‌های این صندوق‌ها، توصیف و تحلیل چگونگی تشکیل و فعالیت آن‌ها، چگونگی مصرف و استفاده از وام‌های آن به پرسش‌های زیر پاسخ دهد. مؤلفه‌های توانمندی اقتصادی و اجتماعی از نگاه زنان روستایی کدامند؟ آیا مشارکت در این صندوق‌ها، فرصت‌های جدید فعالیت اقتصادی را برای زنان فراهم می‌کند؟ این صندوق‌ها می‌توانند زنان روستایی را توانمند سازند؟

پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های خارجی فراوانی درباره‌ی توانمندسازی و آثار اجتماعی- اقتصادی برنامه‌های اعتبارات خرد بر توانمندی زنان انجام شده است. از جمله ساتیاباما[1](۲۰۱۰: ۱) نشان داده که تشکیل گروه‌های خودیار در برنامه‌های اعتبارات خرد در هند راه را برای استقلال اقتصادی زنان هموار می‌کند. اعضای این گروه‌ها در کارآفرینی‌های کوچک خود مشغول شده و از این طریق موجب استقلال خود و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای دیگران شده‌اند. سواین و والنتین[2](۲۰۰۹: ۵۵۳-۵۵۱) نشان دادند که قراردادن اعتبارات و دیگر منابع مالی در اختیار زنان، موجب کسب قدرت مالی و مشارکت اقتصادی آنان در جامعه و خانواده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که این شرایط نقش قابل‌توجهی در توانمندسازی آنان ایفا می‌کند.

برخی پژوهش‌ها، عوامل مؤثر بر موفقیت و مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد در زمینه‌ی توانمندسازی زنان را بررسی کرده‌اند. برای نمونه، نور و همکاران[3](۲۰۱۲: ۷۲۸) معتقدند که دانش، مهارت مدیریتی و بینش زنان، در موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در کارآفرینی برای زنان مؤثر است. آوونیو – ویتور و همکاران[4](۲۰۱۲: ۵۰۲) میزان تحصیلات، عضویت در تشکل‌های تجاری، میزان پس‌انداز در مؤسسه‌های مالی و رضایت از بهره‌ی وام را بر احتمال مشارکت زنان در برنامه‌های اعتبار خرد تأثیرگذار می‌دانند.

[1] Sathiabama
[2] Swain & Wallentin
[3] Nor et al
[4] Awunyo-Vitor et al

در ایران نیز پژوهش‌های زیادی درباره‌ی طرح‌های تأمین مالی و اعتباری خرد انجام شده است. نتایج پژوهش علی‌توکلی و موحدی(۱۳۹۵: ۳۹) نشان داده که قراردادن سرمایه در اختیار زنان برای راه‌اندازی فعالیت‌های درآمدزا در توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی آن‌ها مؤثر بوده و موجب بهبود کیفیت زندگی آن‌ها می‌شود. پژوهش دیگری(یعقوبی، ۱۳۸٤: ۱۲۵) نشان داده که اعتبارات خرد، بیش‌ترین تأثیر را در زمینه‌ی بالابردن اعتماد گروهی در بین زنان داشته است. ایجاد احساس قوی‌بودن برای توانایی انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی، افزایش اعتمادبه‌نفس، آگاه‌سازی زنان از توانایی‌های بالقوه خود و بهبود منزلت زنان در خانواده، در رده‌های بعدی قرار داشتند. همچنین بریمانی و همکاران(۱۳۹۱: ٦۹)، نشان داده‌اند که اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی موثر بوده است. گروهی از زنانی که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند، از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند. علیرضانژاد(۱۳۹۲: ۹۱) ضمن شناسایی چهار نوع صندوق قرض‌الحسنه نشان داده که این صندوق‌ها به نوعی در نیل به سطوحی از توانمندی اجتماعی و اقتصادی مؤثر هستند.

بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی اعتبارات خرد به‌ویژه در ایران، عمدتاً به ارزیابی آثار اقتصادی(مانند مبلغ وام، نحوه‌ی مصرف وام، میزان بازپرداخت و افزایش درآمد) اجرای این اعتبارات رسمی که از بیرون به روستا وارد می‌شوند با کمک روش‌های کمی و شاخص‌های از قبل‌تعیین‌شده پرداخته‌اند. در حالی که توانمندی، حوزه‌ی وسیعی را شامل می‌شود که برخورداری افراد از سرمایه‌ی مالی صرفاً بخشی از این فرآیند است و نیازمند برخورداری از سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی نیز می‌باشد. علاوه بر این، از میان پیشینه‌های داخلی موجود، پژوهشی که به طور خاص به مطالعه‌ی اعتبارات غیر رسمی و توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی پرداخته باشد، وجود ندارد؛ لذا مقاله‌ی حاضر بر آن است تا به روش کیفی به گونه‌شناسی صندوق‌های قرض‌الحسنه غیر رسمی ـ که متفاوت از اعتباراتِ خُردِ رسمی می‌باشند ـ و شناسایی و استخراج مؤلفه‌های توانمندی اجتماعی و اقتصادی از دید زنان روستایی پرداخته و نقش این مؤلفه‌ها را در توانمندسازی آنان مورد مطالعه قرار دهد.

چارچوب مفهومی پژوهش

مفهوم Empowerment که معادل‌هایی از قبیل توانمندسازی، توانمندی و توان‌افزایی به خود گرفته است، مفهومی پیچیده و دارای ابعاد چندگانه است. از جمله می‌توان به توانمندی فردی،

توانمندی اجتماعی، شبکه‌ای‌شدن، توانمندی سیاسی، توانمندی اقتصادی و غیره اشاره کرد (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ٥٤؛ فرخی، ۱۳۷٦: ۷٦؛ شکوری و دیگران، ۱۳۸٦: ٥؛ الایچر[1]، ۲۰۱۰: ۱). رویکردی عمدتاً اجتماعی توانمندی را نوعی فرآیند کنش اجتماعی می‌داند که افراد، اجتماعات و سازمان‌ها از خلال آن نوعی سروری و تسلط بر زندگی خود را به‌دست می‌آورند(پیترسون و هوگی[2]، ۲۰۰٤: ٥۳۳). با توجه به این تعریف، پیوندی بنیادین بین این مفهوم و مفهوم قدرت وجود دارد. در سنت جامعه‌شناسی به طور معمول مفهوم قدرت با تعریف وبری[3] از آن پیوند دارد که عبارت است از توانایی فرد در تحمیل خواسته‌هایش به دیگران، علی‌رغم مخالفت آنان (دیلینی، ۱۳۹۲: ۲۱٤). در این تعریف ماهیت جنسیتی قدرت نادیده گرفته می‌شود. در فرآیند توانمندسازی افزایش قدرت یک گروه یا بخشی از یک جامعه، به‌معنای کاهش قدرت بخش دیگر نیست. بدین ترتیب منابع قدرت محدود نبوده و گروه‌های مختلف اجتماعی می‌توانند توانمند شوند، بدون آن‌که از توان گروه دیگری کاسته شود(رولاند[4]، ۱۹۹٥: ۱۰۲).

از زمان گسترش عرضه‌ی اعتبارات به مناطق روستایی تا کنون، دیدگاه‌های بازارگرا، دولت‌گرا و جامعه‌گرا مطرح شده است. وجه اشتراک تمامی آن‌ها این است که عرضه‌ی اعتبارات در کاهش فقر خانوارهای روستایی نقش مهمی دارد(معظمی، ۱۳۸۰: ٥۳۹). لیکن در روش جامعه‌گرا، تشویق مشارکت مردمی و ساختار تصمیم‌گیری غیر متمرکز از مهم‌ترین ویژگی‌ها به‌شمار می‌آید. یکی از مهم‌ترین پایه‌های این روش، فرضیه‌ای است مبنی بر آن که افراد کم‌درآمد پس‌انداز دارند؛ اما بیش‌تر ترجیح می‌دهند که پس‌اندازهای خود را به صورت غیرنقدی نگهداری کنند. در روش جامعه‌گرا سعی می‌شود که از شیوه‌های جدید و ابتکاری برای توزیع وام‌ها استفاده شود.

رهیافت توانمندسازی زنان بر مبنای تألیفات فمینیست‌ها و با تکیه بر تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفت و خواستار قدرت‌دادن به زنان، نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنان برای اتکاء به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی است(کتابی، یزدخواستی و فرخی راستایی، ۱۳۸۲: ۱۱). اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر،

[1] Elycher
[2] Peterson and hughey
[3] weber
[4] Rowlands

عاملی مهم تلقی می‌شود و عقیده بر این است که زنان، چه در سطح خرد و خانواده و چه در سطح کلان، عناصر مهم تغییر در راستای توانمندی اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌روند(طالب و نجفی‌اصل، ۱۳۸٦: ۹) در مجموع، استقلال اقتصادی و سیاسی در این رهیافت، دو جزء مهم به‌شمار می‌آیند و مشارکت مستقیم نیز در حیات اجتماعی توصیه می‌شود(شادلو، ۱۳۸۰: ۲۰۹). این نظریه بر پیش‌فرض‌های زیر استوار است:

– ارتقاء توان زنان برای اتکاء به خود، موجب افزایش قدرت آنان خواهد شد.

– قدرت، نشانه‌ی برتری فردی بر فرد دیگر نیست؛ بلکه کنترل منابع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر و برابری کمک کند. زنان باید بیاموزند که با خودباوری و اعتمادبه‌نفس در پذیرش و توزیع مسئولیت‌ها چه در خانواده و چه در جامعه شرکت کنند. نظریه‌ی تواناسازی ترکیبی از نظریه‌های رفاه، برابری، و فقرزدایی است با این تفاوت که طرفداران این نظریه برای عینیت-بخشیدن به تغییرات بلندمدت به امید آغاز و ایجاد آن در سطوح بالای تصمیم‌گیری سازمان‌های دولتی باقی نمانده، بلکه تلاش سازمان‌های غیردولتی زنان و گروه‌های مشابه برای بسیج سیاسی، آگاه‌سازی و آموزش همگان(زن و مرد)را ضروری می‌دانند(رودافشان، ۱۳۸٤: ۱۳٤).

رویکردی دیگر، توانمندی زنان را از دو جنبه‌ی فردی و جمعی مورد بررسی قرار می‌دهد. توانمندی فردی زمانی به دست می‌آید که زنان بتوانند به نحوی پایگاه اجتماعی خود را درونی کرده و با به چالش‌کشیدن این وجه نظر، توانایی‌های درونی خود را بشناسند و به واقعیت تبدیل کنند. با افزایش اعتمادبه‌نفس و احترام به خود، درک یک زن از خود تغییر کرده و قدرت فردی او افزایش خواهد یافت. درآمدداشتن، بخشی مهم از توانمندی فردی است. توانمندی جمعی عملاً به شبکه‌ی روابط اجتماعی زنان توجه دارد. در اجتماعات محلی، زنان به طور سنتی به شبکه‌ای از روابط حمایتی متصل هستند. زنان همسایه در مراسم‌ها، مهمانی‌ها و غیره به یکدیگر یاری می‌رسانند. متین[1]، نوعی رابطه‌ی دو سویه را بین زنان طبقات فقیرتر معرفی می‌کند که در خلال آن زنان به یکدیگر پول قرض می‌دهند (متین و همکاران، ۲۰۰۲: ۲۷٦).

نگارندگان مقاله‌ی حاضر، معتقدند که توانمندی، معانی متفاوتی در بسترهای اجتماعی – فرهنگی و سیاسی دارد. بنابراین باید به شناسایی اصطلاحات محلی مرتبط با توانمندی اقدام و

[1] Matin

نقش برنامه‌ها و طرح‌های مختلف را در توانمندسازی، با توجه به مؤلفه‌های بومی و از دید گروه‌های خاص ارزیابی کرد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر، با رویکرد کیفی و استفاده از فنون مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته و عمیق، بحث گروهی متمرکز و مشاهده‌ی مشارکتی اجرا شده است. برای انجام مصاحبه‌ها، از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند[1] و نظری[2] کمک گرفته شد. با توجه به ارتباط حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی با سطح اشباع داده‌ها[3]، حجم نمونه از پیش تعیین‌شده نبود. بر این اساس، جمعاً ۳۲ مصاحبه‌ی نیمه‌باز و عمیق انجام شد که ۲۱ نفر از زنان مشارکت‌کننده در مصاحبه‌ها از بین اعضاء و یا سرگروه‌های این صندوق‌ها بودند. ضمناً مصاحبه با ۷ زن غیرعضو(۱ مصاحبه‌ی گروهی متمرکز) و ٤ مرد(۱ جلسه‌ی بحث گروهی متمرکز) که خود و یا همسران‌شان در زمان انجام پژوهش در صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی عضویت داشتند نیز انجام شد.

برای تجزیه و تحلیل بخش عمده‌ای از داده‌های پژوهش(بحث استخراج مؤلفه‌های توانمندی) روش تحلیل تفسیری استفاده شد. تحلیل تفسیری، فرآیندی برای بررسی دقیق داده‌های پژوهش کیفی می‌باشد که هدف اصلی آن یافتن سازه‌ها، مقوله‌ها و الگوهایی است که برای توصیف و تبیین پدیده‌ی مورد پژوهش به‌کار می‌روند (کریمیان، سالاری و ملکاری، ۱۳۹٤: ۱۸٦ نقل از گال، بورگ و گال[4]، ۱۳۸٦). بنابراین در تحقیق حاضر برای تسهیل کار تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا اظهارات مشارکت‌کنندگان ضبط و پیاده‌سازی شد؛ سپس چندین بار توسط محققان با دقت شنیده و مطالعه شدند. برای شناسایی جمله‌ها و مفاهیم کلیدی موجود در متن، متن مصاحبه‌ها خط به خط و کلمه به کلمه بررسی و به هر جمله یا کلمه‌ی کلیدی یک کد داده شد و کدهای اولیه‌ی مشابه در یک طبقه جای داده شدند تا طبقات اولیه شکل بگیرند. این مفاهیم مجدداً در هم ادغام گردیدند تا مقوله‌های اصلی را تشکیل دهند. با توجه به این مقوله‌ها، محققان سؤالات تحقیق را ارزیابی نموده تا توانمندی را در ارتباط با مؤلفه‌های بومی مورد مطالعه قرار دهند. برای افزایش روایی داده‌ها نیز

[1] Purposive Sampling
[2] Theoretical Sampling
[3] data saturation
[4] Gall, Borg & Gall

این تدابیر اتخاذ گردید: ۱. مصاحبه ضمن برقراری رابطه‌ی حرفه‌ای با مشارکت‌کنندگان ۲. خواندن مکرر مصاحبه‌ها و غرق‌شدن در داده‌ها ۳. بهره‌گیری از نظرات و پیشنهادهای تکمیلی همکاران برای تأیید و اصلاح صحت کدها و مقولات استخراج‌شده. بدین‌ترتیب و پس از کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها توسط محقق اول، میزان اتفاق نظر میان محققان در مورد کدها و طبقات بررسی می‌شد و کدها و طبقاتی که در مورد آن‌ها اختلاف نظر وجود داشت تا جایی تغییر می‌یافت که محققین در مورد آن‌ها به اتفاق‌نظر می‌رسیدند. نگارندگان، چندین بار نوشته‌ها، کدگذاری‌ها و دسته‌بندی‌ها را برای اطمینان از اعتبار کدها و صحت مفاهیم شناسایی‌شده، بررسی کردند و اتفاق‌نظر میان آن‌ها در سطح بالایی بود.

مشخصات زمینه‌ای

دهستان تنگ‌سیاب با جمعیتی بالغ بر ۷۵۵٤ نفر در بخش کوهنانی از توابع شهرستان کوه‌دشت در استان لرستان واقع است. اهالی این دهستان، معمولاً در قالب گروه‌های ۸ تا ۲۰نفره، با تکیه بر سرمایه‌های یکدیگر، به تشکیل صندوق‌های وام‌دهی یا به اصطلاح محلی قرعه‌کشی، اقدام می‌کنند. در زمان انجام پژوهش، تعداد چهارده صندوق وام‌دهی در روستاهای مورد مطالعه وجود داشت؛ بدین‌ترتیب که ۱٦۸ نفر(٦۵ مرد و ۱۰۳ زن) در این صندوق‌ها مشارکت داشتند. بعضی از زنان و مردان به‌طور هم‌زمان در دو صندوق عضو بودند. از لحاظ جنسیت اعضاء، سه صندوق فقط به زنان و مابقی به هر دو جنس تعلق داشت. هر صندوق در بین اعضای خود با اسم یا نام خانوادگی مسئول صندوق یا سرگروه شناخته می‌شود. در این گروه‌ها، هر عضو، ماهانه یا هفتگی، مبلغی را پرداخت می‌کند و بر اساس قرعه‌کشی، وام به یکی از اعضاء داده می‌شود. در پژوهش حاضر، اعضای دو صندوق را دانش‌آموزان دختر مقاطع راهنمایی و دبیرستان، ۱۱ تا ۱۸ سال و مجرد تشکیل می‌دهند. در مجموع حدود نیمی از کل زنان عضو صندوق‌ها ۱۹ تا ۳۹ و نیمی دیگر را دانش‌آموزان و نیز زنان متأهل بالای ۳٦ سال تشکیل می‌دهند. تقریباً همه‌ی زنان ۱۹ تا ٤۰ سال متأهل بوده و ۵ نفر از آن‌ها نیز خود و یا همسرشان شغل معلمی داشتند. در مورد سطح سواد زنان با احتساب دانش‌آموزان، نصف آن‌ها سواد دیپلم و پایین‌تر و نیمی دیگر دارای مدرک فوق‌دیپلم و بالاتر بودند. البته سطح سواد زنان غیر عضو از مجموع هفت نفر، ۲ نفر بی‌سواد، ۳ نفر خواندن و نوشتن و ۲ نفر فوق‌دیپلم و بالاتر بودند. تقریباً همه‌ی مردهای عضو صندوق‌ها بین ۲۹ تا ٤۸ سال، متأهل، سطح سوادشان کاردانی و بالاتر و در بخش دولتی شاغل بودند.

یافته‌های پژوهش

نحوه‌ی شکل‌گیری و فعالیت صندوق‌های وام‌دهی غیررسمی: صندوق‌های مذکور نوع خاصی از شبکه‌های هم‌یاری زنانه می‌باشند. اغلب زنان مصاحبه‌شونده می‌گفتند که هر لحظه بخواهند می‌توانند یک صندوق تشکیل دهند که ممکن است یک دوره به کار خود ادامه داده و سپس منحل شوند و یا پس از مدتی با اعضایی تا حدی متفاوت، دوباره شروع به کار نمایند. آن‌ها هم‌چنین می‌گفتند که «*بعد از اتمام یک دوره، اگر بخواهیم صندوق را تعطیل می‌کنیم یا دوره‌ی جدیدی را شروع می‌کنیم*». به‌عبارتی آن‌ها هر وقت نیازی داشته باشند که با کمک همدیگر تأمین و قابل حل باشد، صندوق تشکیل می‌دهند. مسئول یا سرگروه همه‌ی صندوق‌ها زن بودند. برای عضویت، داشتن حساب بانکی اجباری نیست. تقریباً نیمی از زنان حساب بانکی داشته و مابقی نیز شماره حساب یکی از اعضای خانواده خود را به سرگروه صندوق می‌دهند تا وی نیز در موعد مقرر پول‌های همه‌ی اعضاء را به حساب عضوی بفرستد که با قرعه‌کشی انتخاب شده است. زنان معمولاً در فرصت‌هایی که کنار هم هستند از قبیل مهمانی‌ها، روضه‌ها، در مدارس(صندوق‌های دانش‌آموزی) و...، پیشنهاد تشکیل صندوق می‌دهند. البته لزومی ندارد که همه اعضاء، هم‌دیگر را ببینند؛ ممکن است تلفنی با سرگروه یا با هم گفت‌وگو کنند.

عدم ثبت رسمی صندوق و روابط غیر رسمی اعضاء، دو مشخصه‌ی این صندوق‌هاست. اعضاء به هم‌دیگر اعتماد دارند و این امر بر ادامه‌ی فعالیت صندوق تأثیرگذار است. برخی زنان در بیش از یک صندوق عضویت داشتند و از عضویت در این صندوق‌ها راضی بودند؛ زیرا به آنان توان پس‌انداز و فرصت خرید را می‌دهد.

مقدار وام را معمولاً اولین نفر با هم‌فکری همسر و یا یکی از افراد خانواده‌اش بر حسب نیازی که احساس کرده‌اند در فرصت مناسب به سایر زنان و گاهی مردان پیشنهاد می‌دهند. ترتیب زمانی نوبت دریافت وام به قید قرعه تعیین می‌شود این کار را مدیر صندوق یا سرگروه به‌تنهایی و یا در مواردی در حضور برخی اعضاء، به یکی از دو روش ذیل انجام می‌دهد: قرعه‌کشی فقط یک‌بار که بلافاصله پس از تشکیل صندوق و در اولین جلسه انجام می‌شود و نوبت هر عضو، از قبل مشخص می‌شود به این ترتیب عضو می‌داند که چه زمانی وام را دریافت می‌کند. در روش دوم در پایان هر ماه قرعه‌کشی انجام می‌شود و نوبت دریافت وام برای اعضاء از قبل مشخص نیست. در هر دو روش، سرگروه در پایان هر ماه به سایر اعضاء اطلاع می‌دهد که پول‌ها را به حسابش بفرستند تا او نیز به انتقال وجه از حساب خود به حساب عضو انتخاب‌شده بپردازد. سرگروه‌ها

دست‌مزدی دریافت نمی‌کنند؛ اما معمولاً به پاس ایفای نقش هماهنگ‌کننده، نوبت اول دریافت وام به آن‌ها داده می‌شود.

زنان شاغل معمولاً در مورد وام‌های دریافتی از این صندوق‌ها شخصاً تصمیم می‌گرفتند و همسران آن‌ها دخالت چندانی در کار نداشتند؛ اما شرایط برای زنان خانه‌دار متفاوت است. در هر صورت معمولاً مردان از وجود این صندوق‌ها و نقش زنان در آن آگاه هستند و نسبت به آن حساسیت چندانی نداشتند.

انواع صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی: بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، صندوق‌های مذکور در روستاهای مورد مطالعه شامل سه نوع می‌باشد:

۱- **صندوق‌های متعلق به دانش‌آموزان:** اعضای این صندوق‌ها را دانش‌آموزان دختر مقاطع راهنمایی و دبیرستان تشکیل می‌دهند که دو صندوق ۱٤ نفره بودند. یک دوره، فعالیت صندوق شماره‌ی یک برابر با ۱٤ هفته(۹۸روز) است. مبلغ وام، ۷۰ هزار تومان و اقساط آن به‌صورت هفته‌ای و مبلغ هر قسط ۵ هزار تومان است. مبلغ وام در صندوق دوم ۲۱۰ هزار تومان، اعضای گروه هر پانزده روز یک قسط(۱۵هزار تومان) پرداخت می‌کنند؛ بدین‌ترتیب صندوق مذکور هفت ماه فعال است. در این صندوق‌ها، یکی از دانش‌آموزان، سرگروه بود و مدیر، معلمان و یا سایر کارکنان مدارس نقشی در این صندوق‌ها نداشتند. هر عضو مبلغ تعیین‌شده را در روز معین نقداً تحویل سرگروه داده و وی پس از جمع‌آوری کل وام، اقدام به قرعه‌کشی می‌کند. تداوم فعالیت صندوق به موافقت اعضاء بستگی دارد.

مبلغ اقساط را خانواده به فرزندانِ دانش‌آموز خود داده ولی دانش‌آموزان در مصرف آن اختیار دارند و معمولاً از آن برای خرید پوشاک، پس‌اندازکردن، هدیه‌ای کوچک به مناسبت تولد یکی از اعضای خانواده، لوازم‌التحریر، پرداخت پول سرویس مدرسه استفاده می‌کنند. «*قبل از راه‌اندازی صندوق، از پدر و مادرم قول می‌گیرم که پول توجیبی زیادی از شما نمی‌خواهم ولی اقساط قرعه‌کشی‌ام را پرداخت کنید. هر وقت اسمم درآمد آن را پس‌انداز می‌کنم و فقط در صورت نیاز خودم از آن برداشت می‌کنم*». «*مایلم بعد از این‌که درس‌مان تمام شد قرعه‌کشی (صندوق) با همین اعضاء ادامه داشته باشد؛ این‌طوری رابطه‌هایمان هم قطع نمی‌شود. البته بهتره مبلغ وام هم بیش‌تر شود*». آشکار است که این مبالغِ کم، کمک چندانی به توانمندی اقتصادی دانش‌آموزان دختر نمی‌کنند؛ ولی نبایستی فراموش کرد که به افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانه و محل زندگی و شکل‌گیری روحیه و تمرین کار مشارکتی در بین آن‌ها به‌ویژه برای آینده کمک می‌کند.

۲- صندوق‌های مبتنی بر روابط خویشاوندی- همسایگی: که پیرامون شبکه‌ی روابط خانوادگی و همسایگی و همچنین دوستان نزدیک شکل می‌گیرد و ممکن است معدودی از اعضای صندوق در روستای دیگر و یا شهر ساکن باشند. در این صندوق‌ها مقدار وام بین۵۰۰ هزار تا ۱۲۰۰،۰۰۰ تومان است؛ میزان اقساط آن بین ٤٠ تا ۱۰۰ هزار تومان و ماهیانه پرداخت می‌شود. معمولاً تعداد اعضای آن‌ها بین ۱۰ تا ۲۰ نفر است. ممکن است زنان و مردان در کنار هم شرکت داشته باشند؛ ولی معمولاً تعداد زنان از مردان بیش‌تر است. در صندوق‌هایی که مردان اکثریت اعضاء را تشکیل می‌دهند، مبلغ وام، بیش‌تر است و در صندوق‌هایی که همه یا اکثریت اعضای آن را زنان تشکیل می‌دهند، مبلغ وام کم است. غالباً، اقساط وام به‌صورت نقدی تحویل داده می‌شود؛ ولی اگر برخی اعضاء در مکان دوری ساکن باشند، پس از آن‌که همه اعضاء، پول را به حساب سرگروه انتقال بدهند، وی نیز آن را برای عضو انتخاب‌شده می‌فرستد.

در صندوق‌های خویشاوندی- همسایگی در مقایسه با دو نوع دیگر، انعطاف‌پذیری زیادی وجود دارد. گاهی در صورت نیاز فوری عضوی از صندوق، نوبت دریافت وام بین دو نفر جابه‌جا و به وی داده می‌شود. یا ممکن است عضوی به‌دلایلی نتواند سر وقت تعیین‌شده قسط وام را پرداخت کند، در این مورد اعضاء به چند صورت با وی هم‌کاری می‌کنند: یا به وی فرصت می‌دهند تا با چند روز تأخیر پرداخت کند، ممکن است یک ماه قسط پرداخت نکند ولی ماه بعد دو قسط پرداخت نماید، یا یکی از اعضاء به وی پولی قرض می‌دهد و در غیر این دو حالت، مبلغ قسط یا اقساط پرداخت‌نشده را از مبلغ کل وام کسر می‌کنند. البته اگر عضوی به‌دلایلی ناموجه در عرف محل، اقساط خود را پرداخت نکند در دوره‌های بعدی فعالیت صندوق، ممکن است عضویت وی مورد موافقت سایر اعضاء قرار نگیرد.

در روستاهای مورد مطالعه، صندوق‌های خانوادگی – همسایگی متداول‌تر از انواع دیگر هستند. ممکن است در مهمانی یا گردهم‌آیی خانوادگی و همسایگی شکل بگیرند. با توجه به مصاحبه‌ها به‌نظر می‌رسد که در این صندوق‌ها چون مبلغ وام کم است، معمولاً زنان آن را دریافت می‌کنند. طبق اظهارات زنان این وام‌ها می‌توانند صرف امور ضروری خانوادگی از قبیل ثبت‌نام بچه‌ها و خرید پوشاک برای آن‌ها و یا یک بیماری ناگهانی و یا یک سفر شود و معمولاً مردان مسئول بازپس دادن آن هستند. در مواردی زنان اظهار کرده‌اند که از این وام‌ها برای امور شخصی و یا پس‌انداز استفاده می‌کنند. با وجود این در مواردی نیز برای درآمدزایی نیز استفاده کرده‌اند: «*در منطقه‌ی ما باغات انار وجود دارد و تعدادی از زنان در فصل پاییز به تولید و فروش رُب انار و آب*

انار مشغولند من هم توانستم با کمک پول قرعه‌کشی یک یخچال فریزر برای نگهداری آب انار بخرم و هر سال درآمد خوبی از این طریق نصیبم می‌شود. قبلاً که فریزر برای نگهداری نداشتم مجبور بودم آب انارهایم را ارزان بفروشم. درآمدم نسبت به گذشته بیش‌تر شده است».

۳- صندوق‌های حول روابط رسمی یا روابط شغلی و اداری: بیش‌تر اعضای این صندوق‌ها را زنانی تشکیل می‌دادند که خود و یا همسران‌شان به عنوان معلم در مدارس، شاغل بودند هر چند که عضویت زنان دیگر نیز پذیرفته می‌شود. بیش‌ترین مبلغ وام متعلق به این گروه می‌باشد که از ٦ تا ٢٤ میلیون تومان متفاوت است. اعضاء ممکن است در محل کار، در یک مهمانی و یا در شبکه‌های مجازی پیشنهاد تشکیل صندوق را مطرح نمایند. زمان فعالیت آن بستگی به تعداد و توافق اعضاء دارد؛ ولی معمولاً یک دوره‌ی فعالیت هر صندوق بیش‌تر از ۱۵ ماه تعیین نمی‌شود. بعد از اتمام هر دوره، ممکن است مجدداً صندوق تداوم یابد، برخی از اعضاء انصراف داده و برخی نیز به دلیل به‌اصطلاح بدحسابی از گروه کنار گذاشته شوند و در هر دو صورت فوق، اعضای جدید جای‌گزین می‌شوند. یکی از اعضاء در مصاحبه خود می‌گوید: *«هیچ صندوقی برای چند دوره دقیقاً با همان اعضاء ادامه نمی‌یابد. بعضی ممکن است انصراف بدهند بعضی هم معمولاً اقساط‌شان را به‌موقع پرداخت نمی‌کنند که ممکن است در دوره‌ی بعدی از گروه حذف شوند؛ اعضای جدید جای‌گزین آنان می‌شوند؛ البته بعضی مواقع هم ممکن است تعداد اعضای یک گروه نسبت به قبل بیش‌تر شود».* در یکی از این نوع صندوق‌ها، تعداد اعضاء ۲۱ نفر و مبلغ وام ۱۲ میلیون تومان است. مدت زمان فعالیت یک‌دوره‌ی آن ۱۲ ماه بوده که مسئول گروه در هر ماه به قید قرعه وام را به دو نفر(هر نفر ٦ میلیون تومان) می‌دهد. بعضی از این زنان به‌طور هم‌زمان در صندوق‌های دیگر نیز عضو بوده و از لحاظ مالی در وضعیت مناسبی قرار داشتند. سه نفر از اعضای این گروه به کمک این وام‌ها و سایر منابع مالی خانواده توانسته بودند کسب‌وکاری کوچک راه‌اندازی کنند. *«شوهرم ٢٦ سال سابقه معلمی دارد. از او درخواست کردم که از بانک ده میلیون وام بگیرد و خودم هم قرعه‌کشی ۱۲ میلیونی تشکیل دادم و تصمیم گرفتیم پوشاک زنانه و بچه‌گانه بخریم. بالای درب حیاط یک تابلوی کوچک نصب کردیم. دو سال از این کار گذشته و خوش‌بختانه خوب پیش رفتیم. سرمایه‌مان بیش‌تر از روز اول شده است. البته کرایه‌ی مغازه هم نمی‌دهیم. جنس‌ها را تهران خرید می‌کنیم، ولی این جا به‌صورت قسطی و قرضی هم می‌فروشیم».* یک عضو دیگر همین گروه نیز به کمک وام صندوق اقدام به فروش ظروف آشپزخانه کرده است و می‌گوید: *«از زمانی که عضو صندوق شدم تصمیم گرفتم که بتوانم درآمدی جانبی برای خانواده*

به‌دست بیاورم وگرنه پول وام نیز خرج می‌شد. به کمک شوهرم یکی‌دو ماه یک‌بار به جوان‌رود (استان کرمانشاه) می‌رویم که اجناس آن‌جا به‌ویژه لوازم و ظروف آشپزخانه ارزان‌تر از شهرمان است. خوش‌بختانه اجاره‌ی خانه و شهریه‌ی دانشگاه دخترم، هزینه‌ی پوشاک خودم و بچه‌هایم را تأمین می‌کنم». از این گفته‌ها چنین بر می‌آید که زنان در این صندوق‌ها، در کنترل و هزینه‌کرد وام‌ها نقش زیادی داشتند و از این طریق به افزایش درآمد و پس‌انداز و سهیم‌شدن در دارایی‌های خانواده کمک می‌کنند.

مؤلفه‌های توانمندی و توانمندسازی زنان روستایی.

برای پی بردن به کارآمدی صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی، لازم بود که مؤلفه‌های بومی توانمندی در دو بُعد فوق از دیدگاه زنان شناسایی و استخراج شود؛ سپس نقش این مؤلفه‌ها در ارتباط با توانمندسازی زنان تبیین گردد. بدین ترتیب اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های رو در رو و متمرکز به روش تفسیری، تحلیل گردید و ۳۸ مفهوم(زیرمقوله) استخراج شد که در قالب ۹ مقوله‌ی اصلی دسته‌بندی شد. جدول ۱، مفاهیم و مقولات به‌دست‌آمده را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی یک- مفاهیم و مقوله‌های عمده

مفاهیم	مقوله‌های اصلی
داشتن درآمد و پس‌انداز، ایجاد کارآفرینی‌های کوچک، تنوع منابع درآمد، سهیم‌شدن در دارایی خانوار، افزایش درآمد، اختیار در هزینه‌کرد درآمد	خوداشتغالی
کمک به خرید لوازم مدرسه، پرداخت شهریه‌ی دانشگاه، کمک به ادامه تحصیل، رفتن به شهر برای تحصیل	سواد (آموزش)
باخبرشدن از پیرامون، بالارفتن میزان آگاهی مالی، اطلاع از امور وام و بانک	افزایش آگاهی
کاهش انزوا، ارتقاء منزلت زنان در خانواده و جامعه، خودباوری، تغییر نگاه منفی روستاییان به نقش زنان، احساس تأثیرگذاری	بهبود منزلت
انجام فعالیت‌های گروهی، حمایت از هم‌دیگر، اعتماد اعضاء به همدیگر	اعتماد متقابل
عدم نیاز به مدارک رسمی و وثیقه، عضویت اختیاری، تطابق رویه‌ی صندوق‌ها با عرف محل	انعطاف‌پذیری
موافق ادامه‌ی فعالیت، رضایت از کمک به خانواده، حساب و کتاب کردن، انگیزه برای کار، برنامه‌ریزی	علاقه‌مندی
اختیار بیش‌تر، کاهش مشاجره، خانه‌ی مستقل، انتخاب فردی، کاهش تنش در خانواده، نقش مؤثر	استقلال
تمایل به حفظ هم‌کاری، افزایش هم‌کاری، حفظ پیوندهای نزدیک میان اعضاء	تعامل مداوم

۱) خوداشتغالی: یونس[1] معتقد است که زنان فقیر می‌توانند با درآمد ایجادشده از طریق وام‌های خرد، قرض خود را بازپس داده و ضمن بهبود سطح زندگی خانوار، مقداری هم پس‌انداز کنند تا به کسب‌و کار رونق بخشند(یونس، ۲۰۰۷: ۷۳-۷۲). عده‌ای از زنان و خانوارهای آنان، با استفاده از وام این صندوق‌ها و با کمک منابع مالی دیگری که در اختیار داشته‌اند، نه‌تنها در دارایی‌های خانواده سهیم شده‌اند، بلکه موفق به راه‌اندازی و رونق کسب‌وکار شده‌اند: *«خرید ظروف آشپزخانه، پوشاک، لوازم خانه، لوازم آرایشی از شهرها و فروش در روستا به صورت نقد و اقساط» و «قالی‌بافی، خرید دام، گاو، طیور و اجاره‌ی زمین کشاورزی».*

۲) سواد(آموزش): یکی از عوامل عدم ادامه‌ی تحصیل برای دختران، در کنار نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها، فاصله نسبتاً دور روستا تا مراکز دانشگاهی است که در سال‌های اخیر با گسترش و احداث دانشگاه‌هایی از قبیل پیام‌نور و علمی-کاربردی مشکل مسافت تا حدودی حل شده است؛ ولی شهریه و هزینه‌های رفت‌وآمد هنوز برای خانواده‌های کم‌درآمد روستایی مشکل‌ساز است. در این راستا، صندوق‌های وام‌دهی توانسته‌اند در بعضی موارد به دختران و حتی پسران روستایی در ادامه‌ی تحصیل یاری برساند. «*چون شوهرم کارگر است و پرداخت شهریه‌ی تحصیل دخترم در دانشگاه پیام‌نور به‌صورت یک‌جا برای‌مان سخت است همیشه در صندوق‌های فامیل‌ها و همسایگان با مقدار وام کم که بازپرداخت آن‌ها راحت است عضو می‌شدم؛ ولی هر وقت اسمم درآمده وام را تا زمان شهریه پس‌انداز می‌کردم*». آشکار است که تحصیلات دانشگاهی بر توانمندی زنان به‌ویژه دختران مؤثر است. رشد برخی از مهارت‌ها و یادگیری آن‌ها مستلزم خروج از منزل است و از مصادیق توانمندی به‌شمار می‌روند؛ زیرا علاوه بر کسب معلومات، ازدواج در سنین پایین را به تأخیر می‌اندازد که این نوع ازدواج از موانع رشد توانمندی زنان محسوب می‌شود.

۳) افزایش آگاهی: زنانی که فاقد آگاهی و توان لازم درباره‌ی نحوه‌ی اخذ وام از بانک‌های رسمی می‌باشند، با مشارکت و عضویت در این صندوق‌ها، به‌تدریج در این زمینه نیز اطلاعات و آگاهی کسب می‌کنند و چه‌بسا به دریافت وام‌های کارآفرینی از منابع رسمی نیز اقدام نمایند. «*عضویت در صندوق‌ها، موجب کسب تجربیات و آگاهی بیش‌تر در زمینه‌ی فعالیت صندوق‌ها و مقایسه‌ی آن‌ها با اعتبارات بانکی شده و به‌طور کلی با بحث‌های مالی آشنایی بیش‌تری پیدا می‌کنند*». یکی از

[1] Yunus

سرگروه‌ها اظهار داشت: «*بعضی اعضای صندوق قبل از عضوشدن حتی حساب بانکی هم نداشتند؛ البته برای عضویت داشتن حساب اجباری نیست. با آن‌ها درباره‌ی پس‌اندازکردن وام صندوق در حساب شخصی، سپرده‌گذاری و کسب امتیاز برای دریافت وام‌های کم‌بهره از بانک و... نیز گفت‌وگو می‌کردم*».

٤) **بهبود منزلت:** اگر چه داشتن شغل و یا درآمد از مؤلفه‌های مهم توانمندی به‌ویژه از لحاظ اقتصادی است، ولی نگرش‌های سنتی به نقش و کار زنان که در جامعه‌ی روستایی حاکم است مانع از توانمندشدن آنان در ابعاد روانی – اجتماعی می‌باشد. یکی از زنان مشارکت‌کننده که مدرک کارشناسی داشت گفت: «*خوش‌بختانه نحوه‌ی تشکیل و عضویت در صندوق‌های وام‌دهی طوری است که حتی برای پذیرفتن عضویت زنان بی‌سواد و کم‌سواد نیز هیچ مانعی وجود ندارد و آن‌ها را در چرخه‌ی تعامل بیش‌تر قرار می‌دهد*». یک شرکت‌کننده‌ی دیگر بیان داشت: «*چون خانواده‌ها مستقل هستند و زندگی هم سخت شده زنان هم مجبورند به شوهران‌شان در امور مالی کمک کنند و دیگر مثل گذشته کسی نمی‌گوید زنان فقط باید غذا پخت‌وپز کنند و خانه را جارو کنند*». «*تقریباً همه‌ی زنان حداقل یک‌بار در صندوق‌ها عضو شده‌اند. اوایل مردها سخت می‌گرفتند؛ مخصوصاً در مورد استفاده از وام. ولی الان زنان در مقایسه با گذشته اختیارات بیش‌تری دارند*».

٥) **اعتماد متقابل**: یک شرکت‌کننده‌ی سرگروه گفت: «*برای عضویت در صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی برخلاف اعتبارات و صندوق‌های رسمی، نیاز به ضامن، شماره حساب، چک، سفته و... نیست*». «*مایلم صندوق با همین اعضاء و یا افراد دیگر همیشه فعال باشد. البته افرادی که به‌دلیل ناموجهی بدحساب باشند در دوره‌ی بعدی صندوق، کنار گذاشته می‌شوند. اگر مشخص شود که مسئول یک صندوق بدون مشورت با سایر اعضاء نوبت دریافت وام را تغییر داده، در صورت فعال‌بودن صندوق، مسئولیت به شخص دیگری داده می‌شود*». به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل بالابودن اعتماد در بین اعضاء، مبتنی‌بودن این صندوق‌ها بر روابط خویشاوندی، همسایگی و دوستانه می‌باشد که عمدتاً از نوع چهره به چهره محسوب می‌شوند و این اعتماد می‌تواند به امور دیگری نیز گسترش بیاید.

٦) **انعطاف‌پذیری**: این صندوق‌ها ثبت نمی‌شوند و به‌صورت خودجوش راه‌اندازی شده‌اند. اعضاء معتقدند که روابط‌شان رسمی نیست؛ در صورتی که یک عضو، نیاز فوری داشته باشد، نوبت دریافت وام را با عضو دیگر جابه‌جا می‌کند؛ همچنین دیرکرد محاسبه نمی‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گفت: «*با توجه به این‌که همه‌ی اعضای صندوق هم‌دیگر را می‌شناسیم و به*

هم‌دیگر اعتماد داریم، از مشکلاتی که برای عضوی ایجاد شود باخبر می‌شویم و در صورت نیاز، اگر از سایر منابع مالی نتوانیم به او کمک کنیم نوبت او را با عضوی که به قید قرعه اسمش برای دریافت وام انتخاب شده، جابه‌جا می‌کنیم». می‌توان گفت که رویه‌ی صندوق‌ها با عرف و شرایط بومی جامعه‌ی روستایی مطابقت دارد.

۷) علاقه‌مندی: بیش‌تر زنان از شرکت در این صندوق‌ها و ادامه‌ی فعالیت آن‌ها رضایت داشتند و البته برای کناره‌گیری نیز اجباری وجود ندارد. «*با این‌که پول وام را برای خودم خرج نمی‌کنم، ولی به‌دلیل این‌که در تأمین بخشی از هزینه‌های خانواده به شوهرم کمک می‌کنم، احساس خوبی دارم*». یکی دیگر نیز بیان کرد: «*سعی می‌کنم درباره‌ی فایده‌های شرکت در قرعه‌کشی برای کسانی که تا الان عضو نشده‌اند توضیح بدهم و از آن‌ها می‌خواهم تا شرکت کنند. خیلی وقت‌ها در ذهنم به حساب و کتاب مشغولم که اگر چند بار دیگر شرکت کنم می‌توانم با پولی که به‌دست می‌آورم کار کوچکی راه‌اندازی کنم*»؛ «*تعداد صندوق‌ها نسبت به چند سال پیش بیش‌تر شده و این نشان می‌دهد که زنان بیش‌تری هم به تشکیل و عضویت در صندوق‌ها اقدام کرده‌اند. بارها دیده‌ام که آن‌ها در وقت‌هایی که کنار هم هستند و یا به‌صورت تلفنی و... در مورد پس‌انداز پول وام، نحوه‌ی استفاده و صرف آن صحبت کرده‌اند*»؛ «*حداقل خوبی صندوق‌ها این است که زنان، کمی سرگرم و مشغول می‌شوند*».

۸) استقلال: به باور زنان، زندگی در خانواده‌ی گسترده، باعث صرف وقت و انرژی در کارهایی می‌شود که شاید برای خود زنان نتیجه مثبت و مشخصی نداشته باشد. رفتارها و حرف‌های کنایه‌آمیز و به عبارتی خشونت‌های کلامی را پای ثابت اکثر خانواده‌های گسترده می‌دانستند که نه‌تنها به رابطه‌ی بین اعضای خانواده‌ها، بلکه به روابط خویشاوندی نیز آسیب می‌رساند. به اعتقاد آن‌ها با زندگی در خانه‌ی مستقل، «*علاقه و امیدواری بیش‌تری برای همکاری و نقش مؤثر در انجام امور خانواده*» فراهم می‌شود. یکی از زنان اظهار داشت که: «*با توجه به این‌که مبلغ وام یک صندوق در ماه اول به سرگروه تعلق می‌گیرد، تصمیم گرفتم که یک صندوق تشکیل بدهم و با وام آن تقریباً پول رهن خانه ردیف شد و از آن موقع روابطم با خانواده‌ی شوهرم بهتر شده است*».

۹) تعامل مداوم: یکی از مؤلفه‌هایی که زنان روستایی بر آن تأکید داشتند، پیوندهای میان آنان بود که با این صندوق‌ها تداوم و تقویت می‌شود. علاوه بر هم‌یاری در امور اجتماعی، امکان دستیابی آن‌ها را به منابع و فرصت‌های اقتصادی نیز میسر می‌کند. «*این قرعه‌کشی‌ها(صندوق‌ها) به حفظ رابطه‌ها کمک می‌کنند. اعضای گروه ما که اکثراً فامیل و آشنا هستیم حتی اگر در جایی دور از هم*

زندگی کنیم، لااقل به خاطر اطلاع از پرداخت قسط‌ها و این‌که چه کسی انتخاب شده، از حال هم باخبر می‌شویم». یک عضو صندوق‌های اداری و شغلی چنین گفت: «*بیش‌تر اعضای ما در گروه تلگرامی که به اسم سرگروه هست عضو هستیم*»؛ «*چند سال است که ما با هم هم‌کاری می کنیم. دوست نداریم این روابط و همکاری کاهش بیابد چون هم به لحاظ مالی و هم غیرمالی به دردمان می‌خورد*».

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی و پی‌بردن به کارآمدی آن‌ها در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کوه‌دشت انجام شده است. از خلال پژوهش، سه نوع از این صندوق‌ها شناخته شد: صندوق‌های متعلق به دانش‌آموزان، صندوق‌های مبتنی بر روابط خانوادگی- همسایگی، صندوق‌های حول روابط شغلی و اداری. صندوق‌های وام‌دهی به‌طور بالقوه توانایی خوداشتغالی، سواد(آموزش)، افزایش آگاهی، بهبود منزلت، اعتماد متقابل، انعطاف‌پذیری، علاقه‌مندی، استقلال، تعامل مداوم را برای زنان در خود دارند. بنابراین، زنان روستایی تشکیل و عضوشدن در صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی را «راهی برای ارتقاء زندگی» خود تلقی می‌کنند.

یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموزان در مصرف وام اختیار کافی دارند و بازپرداخت آن به عهده‌ی خانواده‌ها می‌باشد. مبلغ وام در این صندوق‌ها کم است؛ ولی از لحاظ اجتماعی بر توانمندسازی آنان نقش دارند؛ زیرا به افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانه و محل زندگی و هم‌چنین به شکل‌گیری روحیه و کار مشارکتی در حال و آینده کمک می‌کند. صندوق‌هایی که پیرامون شبکه‌ی روابط خانوادگی و همسایگی و همچنین دوستان نزدیک شکل می‌گیرند، در مقایسه با دو نوع دیگر، انعطاف‌پذیری زیادی دارند. عضویت در این صندوق‌ها بر تحکیم روابط خانوادگی، مرتبط‌بودن آنان با شبکه‌ای از اقوام، همسایگان و دوستان که در مشکلات به یاری‌شان می‌شتابند؛ بر بهبود وضعیت زنان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نقش دارد. راه‌اندازی صندوق‌های نوع سوم، مبتنی بر روابط شغلی در مشاغل بخش دولتی است. در این نوع صندوق‌ها علاوه بر بیش‌تربودن مبلغ وام، اختیار زنان برای کنترل و هزینه‌کرد آن بیش‌تر از سایر صندوق‌هاست؛ تشکیل این صندوق‌ها و عضویت در آن‌ها، به افزایش درآمد و پس‌انداز خانواده کمک بیش‌تری می‌کنند.

فعالیت زنان در قالب عضویت در صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی توانسته است بر توانمندی آنان اثر بگذارد. به‌کارگیری وام‌های دریافتی در کسب‌وکارهای کوچک، موجب افزایش توانمندی

اقتصادی زنان روستایی شده است. عده‌ای از شرکت‌کنندگان و خانوارهای آنان، با استفاده از وام این صندوق‌ها و با استفاده از منابع مالی دیگری که در اختیار داشته‌اند، موفق به راه‌اندازی و رونق کسب و کار غیر رسمی شده‌اند: *«خرید ظروف آشپزخانه، پوشاک، لوازم خانه، لوازم آرایشی از شهرها و فروش در روستا به‌صورت نقد و اقساط»* و *«خرید دام، گاو ، طیور و اجاره‌ی زمین کشاورزی»*. آشکار است که راه‌اندازی کسب‌وکار و تولید درآمد، به ظرفیت منطقه و وام‌گیرنده نیز وابسته است. از این‌رو، اگر وام‌گیرنده نتواند از وام به‌خوبی استفاده کند، ممکن است بدهکار شود. بنابراین با توجه به ظرفیت پایین روستاهای مورد مطالعه برای کسب‌وکارهای جدید و وضعیت نامساعد برخی زنان و خانوار آنان از لحاظ مالی و مهارت‌های کسب‌وکار، فرصت‌های موجود، بیش‌تر به فعالیت‌های دامداری و کشاورزی کم‌بازده و پرمخاطره محدود هستند. این موضوع موجب آسیب‌پذری برخی از زنان در مسیر توانمندسازی تبدیل شده است.

طبق یافته‌های مطالعه، اگرچه مؤلفه‌های اقتصادی توانمندی زنان روستایی در حد نسبتاً پایینی تحقق یافته‌اند، ولی در کنار این توانایی‌ها، توانمندی اجتماعی آنان نیز تا حدودی حاصل شده است و زنان توانسته‌اند در خانه و جامعه‌ی محلی، بیش‌تر از قبل تأثیرگذار باشند. اعتماد به اعضای گروه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی است عضویت در این صندوق‌ها، دریافت و بازپرداخت وام بر اساس اعتماد و اطمینان افراد به هم است و هیچ‌گونه ضمانت و مدرکی اخذ نمی‌شود.

عضویت زنان در این صندوق‌ها، فرصت شرکت در فعالیت‌های اقتصادی را در سطح محدود برای آنان فراهم می‌کند. هم‌چنین به‌دلیل دسترسی آسان به این صندوق‌ها برای زنان، امکان فعالیت طولانی‌مدت آن‌ها برای‌شان فراهم است و زنان را به شکل شبکه‌ای از افراد هم‌یار به یکدیگر پیوند می‌دهد. با وجود این، بر اساس اظهارات مشارکت‌کنندگان، صندوق‌های مذکور می‌توانند پیامد منفی نیز داشته باشند؛ به‌عنوان مثال وام‌های صندوق ممکن است در امور غیرضروری مصرف شوند و یا به مهاجرت از روستا به شهر کمک کنند.

در مجموع، با توجه به امکانات و ظرفیت‌های روستاهای مورد مطالعه، مؤلفه‌های توانمندی از نگاه زنان مشارکت‌کننده در پژوهش و چگونگی نحوه‌ی تشکیل، فعالیت، گسترش و تداوم صندوق‌های وام‌دهی غیر رسمی، می‌توان مدعی شد که صندوق‌های مذکور به مثابه‌ی الگویی بومی، از طریق ایجاد و افزایش سطح ابعادی مانند خوداشتغالی محلی، سواد(آموزش)، افزایش آگاهی، بهبود منزلت، اعتماد متقابل، انعطاف‌پذیری، علاقه‌مندی، استقلال و تعامل مداوم اعضاء،

موجب درآمدزایی و سهیم‌شدن زنان در دارایی‌های خانواده، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و در روستا، تغییر و بهبود باورهای منفیِ محلی نسبت به توانایی‌های زنان، مشارکت در کار گروهی و حفظ، تداوم و گسترش آن به امور دیگر، خودباوری و به‌طور خاص موجب روشن-شدن چشم‌انداز توانمندسازی گشته‌اند؛ چرا که توانمندسازی، امروزه، جز با تغییر وضعیت زنان در شرایط زندگی، میسر نیست.

آشکار است که عوامل و مؤلفه‌های توانمندساز زنان به‌نوعی در هم تنیده‌اند. هر کدام از آن‌ها، در شرایط خاص خود و شرایط خاص زندگی و نیز با وجود ارتباط با مؤلفه‌های دیگر قابل درک و مطالعه است. در واقع مؤلفه‌های کشف‌شده در طی فرآیند تحقیق، همگی در کنار هم به بهبود جایگاه و سطح زندگی زنان و در نهایت به توانمندشدن آنان یاری می‌رسانند.

به‌طور کلی نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق با یافته‌های علیرضانژاد(۱۳۹۲)، علی‌توکلی و موحدی(۱۳۹۵) در حوزه‌ی تحقیقات داخلی و یافته‌های سواین و والنتین(۲۰۰۹) و ساتیاباما(۲۰۱۰) در تحقیقات خارجی؛ مبنی بر تأثیر اعتبارات خرد بر فقرزادیی، توانمندی فردی و جمعی زنان، تا حدودی هم‌خوانی دارد.

پیشنهادها

- با توجه فعالیت مداوم و مستمر برخی از صندوق‌ها و اثربخشی بیش‌تر بر ایجاد برخی فعالیت‌های درآمدزای مناسب، به نهادهای متولی امور توسعه‌ی روستایی توصیه می‌گردد که از سرگروه‌ها و اعضای صندوق‌های موفق، تقدیر و تشویق به‌عمل آید. این کار، علاوه بر ایجاد انگیزه در اعضاء و مسئولین صندوق‌ها، موجب شکل‌گیری رقابت سازنده بین صندوق‌های مختلف می‌شود.

- از آن‌جا که در مواردی، وام دریافت‌شده به‌علت ناآگاهی از نحوه‌ی کاربرد آن به هدر می‌رود، پیشنهاد می‌گردد دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های کارآفرینی با حضور و حمایت متخصصان امر، درباره‌ی چگونگی استفاده از وام در زمینه‌های سودآور - بر اساس ظرفیت منطقه- برگزار شود.

- به‌دلیل کم‌بودن میزان مبلغ وام بعضی صندوق‌ها برای راه‌اندازی و رونق کسب و کار، بهتر است سرمایه‌ی چنین صندوق‌هایی، علاوه بر تأمین از طریق اعضاء، از طرق دیگر مانند اخذ تسهیلات بانکیِ مناسب مهیا شود.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۸۷) **توسعه‌ی پایدار روستایی**، تهران: انتشارات اطلاعات.

۲. بریمانی، فرامرز، نیک‌منش، زهرا و خداوردی‌لو، سهیلا (۱۳۹۱) «بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی (نمونه‌ی مورد دهستان لکستان شهرستان سلماس)»، **فصل‌نامه‌ی اقتصاد فضا و توسعه‌ی روستایی**، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱: ۸۲– ٦۹.

۳. دیلینی، تیم (۱۳۹۲) **نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.

٤. رسول‌اف، جلال (۱۳۸۱) زنان روستایی و اعتبارات خرد، خوداتکایی، **مجموعه‌مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی**، جلد اول، تهران: وزارت جهاد کشاورزی(دفتر امور زنان روستایی): ۳۷۸– ۳٥٦.

٥. رودافشان، ناهید (۱۳۸٤) «**تأثیر جهانی‌شدن بر توانمندسازی زنان(دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران شاغل به تحصیل ۱۳۸٤–۱۳۸۳)**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، تهران.

٦. سن، آمارتیا (۱۳۸٥) **توسعه یعنی آزادی**، ترجمه‌ی محمدسعید نوری نائینی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

۷. شادلو، شیده (۱۳۸۰) «نقش فرهنگ در متعال‌ساختن نگرش‌های جنسیتی برای توانمندسازی زنان با تأکید بر اسناد بین‌المللی»، **مجموعه‌مقالات همایش توانمندسازی زنان**، جلد اول، تهران: مرکز امور مشارکت زنان: ۲۲٦– ۲۰۸.

۸. شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱) **توسعه و چالش‌های زنان در ایران**، تهران: نشر قطره.

۹. شادی‌طلب، ژاله، وهابی، معصومه و ورمزیار، حسن (۱۳۸٤) «فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار»، **رفاه اجتماعی**، دوره‌ی ٤، شماره‌ی ۱۷: ۲٤۷– ۲۲۷.

۱۰. شکوری، علی، رفعت‌جاه، مریم و جعفری، معصومه (۱۳۸٦) «مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها»،**زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)**، دوره‌ی ٥،شماره‌ی ۱: ۲٦–۱.

۱۱. شهبازی، حسن (۱۳۸۳) «مشارکت، راه‌کار اصلی توانمندسازی زنان»، **مجله‌ی اقتصاد تعاون**، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی ۱٥٤: ۸۹–۸٤.

۱۲. طالب، مهدی و نجفی‌اصل، زهره (۱۳۸٦) «پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری(س) در روستاهای بویین‌زهرا»، **روستا و توسعه**، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۳: ۲۷- ۱.

۱۳. علی‌توکلی، فاطمه و موحدی، رضا (۱۳۹۵) «نقش اعتبارات خرد در توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی»، **نشریه‌ی کارآفرینی در کشاورزی**، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۳: ۵۵- ۳۹.

۱٤. علیرضانژاد، سهیلا (۱۳۹۲) «گونه‌شناسی صندوق‌های قرض‌الحسنه و توانمندی زنان: مدل سنتی اعتبارات خرد در ایران»، **مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران**، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲: ۱۰۳- ۹۱.

۱۵. فرخی، طاهره (۱۳۷٦) «نقش زنان در توسعه‌ی پایدار، تواناسازی زنان»، **ماه‌نامه‌ی تعاون**، شماره‌ی ۷٤: ۱۰۲- ۷٦.

۱٦. فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۳) **بررسی آثار صندوق اعتبارات خرد بر رشد توانمندی زنان روستایی در همایش ملی زن و توسعه‌ی پایدار روستایی**، مشهد.

۱۷. فرضی‌زاده، زهرا، متوسلی، محمود و طالب، مهدی (۱۳۹۲) «بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه‌ی زنان روستایی»، **توسعه‌ی محلی (روستایی - شهری) توسعه‌ی روستایی سابق**، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱: ٤۰- ۱.

۱۸. فیروزآبادی، سید احمد و فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۸۸) «بررسی مقایسه‌ای گذشته و حال فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در خانواده (مطالعه‌ی موردی روستای میانده از توابع شهرستان صومعه‌سرا – گیلان)»، **فصل‌نامه‌ی توسعه‌ی محلی(روستایی - شهری) توسعه‌ی روستایی سابق**، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱: ٦۵-۳۵.

۱۹. کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲) «توانمندی زنان برای مشارکت در توسعه»، **پژوهش زنان**، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۷: ۳۱- ۵.

۲۰. کریمیان، نادر، سالاری، سمانه و ملکاری، بختیار (۱۳۹٤) «رابطه‌ی هم‌خانگی در ایران: بررسی کیفی علل و انگیزه‌های گرایش به آن»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات روان‌شناسی**، دوره‌ی ٦، شماره‌ی ۲۱: ۲۰۰-۱۷۷.

۲۱. کولایی، الهه و حافظیان، محمدحسین (۱۳۹٤) **نقش زنان در توسعه‌ی کشورهای اسلامی**، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۲۲. معظمی، میترا (۱۳۸۰) **راهنمای آموزش طراحی برنامه‌های مالی خرد**، تهران: وزارت جهاد کشاورزی(دفتر امور زنان روستایی).

۲۳. نگین، وحیده (۱۳۸٤) نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر. **فصل‌نامه‌ی تأمین اجتماعی**، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۲: ۵۹ –٤۱.

۲٤. یعقوبی، جعفر (۱۳۸٤) «بررسی اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان»، **فصل-نامه‌ی زن در توسعه و سیاست**، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱: ۱٤٦ –۱۲۵.

25. Awunyo-Vitor, D., Abankwah, V., & Kwansah, J. K. K. (2012). Women participation in microcredit and its impact on income: a study of small-scale businesses in the Central Region of Ghana. *American Journal of Experimental Agriculture*, 2(3), 502-515.

26. Elyachar, J. (2010). Phatic Labor, Poor Theory, and Revisiting Empowerment in Cairo. *Critical Theory Institute, UCI*.

27. Matin, I., Hulme, D., & Rutherford, S. (2002). Finance for the poor: from microcredit to microfinancial services. *Journal of international development*, 14(2), 273-294.

28. Nor, N. H. M., Rashid, S. N. M., Nawawi, R., & Mohd, F. (2012). Women Enterprenuership in Micro Credit Performance: The Preliminary Study in Kelantan. *In Knowledge Management International Conference* (KMICe) (pp. 724-729).

29. Peterson, N. A., & Hughey, J. (2004). Social cohesion and intrapersonal empowerment: Gender as moderator. *Health education research*, 19(5), 533-542.

30. Rowlands, J. (1995). Empowerment examined. *Development in practice*, 5(2), 101-107.

31. Sathiabama, K. (2010). Rural women empowerment and entrepreneurship development (No. id: 2475).

32. Swain, R. B., & Wallentin, F. Y. (2009). Does Microfinance Empower Women?: Evidence from Self Help Group in India. Department of Economics, Uppsala University. 23 (5): 541-556.

33. 33.Ugbomeh, G. M. (2001). Empowering women in agricultural education for sustainable rural development. *Community Development Journal*, 36(4), 289-302.

34. Yunus, Moammad. (2007). Banker of the poor, micro-lending and the Battle against World Poverty. US: public affairs.